

مطالبات مردم و حکمرانی اسلامی

مسیح مهاجری، مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی ایران



اگر نهج البلاغه میزان و معیار حکمرانی باشد، باید حکمرانان ما به این فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام که در فرمان حکومتی به مالک اشتر نوشت «اللّهُ، اللّهُ، اللّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الدِّينِ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزُّمْنَى...» خدا را، خدا را درخصوص محرومین جامعه که چاره برای حل مشکلات زندگی ندارند و زمین گیر و دردمند و گرفتار و نیازمند هستند. گروهی از آنان خویشتن دارند و گروهی دست نیاز به سوی دیگران دراز می کنند. برای عمل به فرمان خدا به وظیفه ای که نسبت به این طبقه داری عمل کن... (نامه ۵۳ نهج البلاغه) عمل کنند.

این دستورالعمل صریح مولای متقیان در سرتاسر نهج البلاغه با عبارات و الفاظ مختلف بارها تکرار شده بطوری که حتی در همین فرمان آن حضرت به مالک اشتر نخعی وقتی به امارت مصر منصوب شد نیز چند بار مورد تأکید قرار گرفت. با اینحال، نباید تصور شود که سفارش برای تأمین رفاه مردم، مخصوص طبقه محروم است. در مکتب امیرالمؤمنین رعایت حقوق مادی و معنوی درباره عموم مردم مورد تأکید قرار گرفته بطوری که حتی اختصاص به مسلمانان هم ندارد بلکه شامل تمام انسان ها می شود. در همین نامه به مالک اشتر است که حضرت علی علیه السلام درباره رعایت حقوق عامه تمام اهالی مصر اعم از مسلمان و غیرمسلمان را صاحب حق دانستند و درباره آنها نوشتند: فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ، إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ... آنها دو دسته هستند، یا برادران دینی تو محسوب می شوند و یا مانند تو مخلوق خدا هستند...

یکی از ویژگی‌های امیرالمؤمنین این بود که قبل از آنکه درباره موضوعی نظری بدهد یا دستوری صادر کند، خود به آن عمل می‌کرد. این را خود آن حضرت هم می‌فرمود و یکی از رمزهای نفوذ کلام حضرتش نیز همین انطباق گفتار و رفتار بود.

مسئولان نظام جمهوری اسلامی همواره از مردم و ضرورت توجه به معیشت مردم سخن می‌گویند ولی عملکردشان با این شعارها منطبق نیست. این عدم انطباق، حداقل از دو جهت کاملاً آشکار است. اول اینکه در کشور ثروتمندی مثل ایران هر روز مشکلات معیشتی مردم اقشار ضعیف و متوسط بیشتر می‌شود و دوم اینکه فاصله حقوق و درآمدهای مسئولین با مردم بقدری زیاد است که مسئولان گرانی‌ها و تورم را احساس نمی‌کنند و به همین جهت صدای مردم را نمی‌شنوند و برای درمان دردهایشان تلاش مؤثری نمی‌کنند.

از اینها بدتر اینست که عدم توانائی تعدادی از مسئولان ارشد به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی و مدیریتی، برای خودشان، برای مردم و برای متصدیان اصلی حکمرانی به اثبات رسیده ولی حاضر نمی‌شوند کنار بروند و راه را برای افراد باتجربه، کارآمد و خدوم باز کنند. مهم‌تر اینکه مسئولان بالاتر نیز عزمی برای کنار گذاشتن افراد ناتوان و استفاده از تجربه عناصر کاردان نشان نمی‌دهند. چنین روشی نه با سیره امیرالمؤمنین سازگار است و نه به صلاح کشور و ملت و حتی خود حکمرانان است.

در جامعه امروز ما که طبقه محروم، یعنی همان طبقه‌ای که حضرت علی علیه‌السلام سفارش آنها را فرمود، در حال له شدن زیر فشارهای گرانی و تورم هستند و چنین وضعیتی پیام خوبی برای حکمرانان ندارد. انقلاب اسلامی را طبقه محروم به پیش برد و به پیروزی رساند و حالا همین طبقه است که بیشترین فشار اقتصادی را تحمل می‌کند و اگر این وضعیت ادامه یابد، به بزرگ‌ترین معارض تبدیل خواهد شد و چنین اتفاقی طلیعه انقلاب محرومان و گرسنگان خواهد بود.

قرار بود نظام جمهوری اسلامی حامی محرومین باشد، برای محرومیت‌زدائی تلاش کند و با اجرای عدالت، جامعه ایرانی را به نمونه جامعی از رفاه، فرهنگ، اخلاق و پیشرفت‌های همه‌جانبه تبدیل کند. با امکانات بالقوه‌ای که ایران دارد، تحقق چنین آرمانی کاملاً امکان‌پذیر است. علت اینکه به چنین جامعه نمونه‌ای نرسیده‌ایم اینست که سیره امیرالمؤمنین را سرمشق خود قرار نداده‌ایم و به درس‌های نهج‌البلاغه عمل نکرده‌ایم.. هنوز هم فرصت برای بازگشت به سیره امیرالمؤمنین وجود دارد. فقط همین بازگشت است که می‌تواند عدالت را برقرار کند و رفاه عمومی را تأمین

نماید. لازمه حکمرانی اسلامی اینست که صدای مردم باشد. حکمرانان ما اگر نمی‌توانند صدای مردم باشند، لااقل صدای آنها را بشنوند.

(ماخذ: روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۹ دیماه ۱۴۰۴ با عنوان صدای مردم را بشنوید)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۰/۹

